

## تعیین رابطه هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی کارکنان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

مرضیه افخمی اردکانی، هادی هاشمی رزینی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۲- استادیار گروه روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، تعیین رابطه هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بود. جامعه پژوهش را کلیه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، در سال ۱۳۹۵ بودند که از جامعه آماری تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر زن و ۵۰ نفر مرد) به شیوه نمونه گیری در دسترس و داوطلبانه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه هوش معنوی کینگ (SISRI)، ویژگی های شخصیتی نئو (NEO) و خودآگاهی ریلو و الیک بود. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته ها نشان داد که زیرمقیاس های هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی کارکنان رابطه مثبت معنادار دارد و هوش معنوی کل نیز با خودآگاهی کارکنان رابطه مثبت معنادار دارد. یافته های پژوهش گویای اهمیت رابطه هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی کارکنان دانشگاه بوده و از بین زیرمقیاس های ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی؛ روان رنجور خوبی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری، خودآگاهی خصوصی و خودآگاهی عمومی توانسته است میزان بالایی از تغییرات هوش معنوی کارکنان را پیش بینی نمایند.

**کلیدواژه ها:** هوش معنوی، ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی

در سالهای اخیر، ما شاهد علاقه فزاینده ای نسبت به موضوعات مذهبی/معنوی در حوزه روان شناسی هستیم. برخی روان شناسان، معنویت را تلاش همواره بشر برای پاسخ دادن به چراهای زندگی تعریف کرده اند. ووگان<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) معتقد است که هوش معنوی شامل توان بالقوه فرد در درک زندگی و هویت وجودی خویش می باشد. مفهوم هوش معنوی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونس مطرح شد و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز گسترش یافت. در مفهوم هوش معنوی مفهوم معنویت به معنای جستجوی فرد برای تقدس، آگاهی و معنوی و نیز مفهوم هوش به معنای به کارگیری این مفاهیم برای سازگاری و بالا بردن سطح رفاه انسان باهم ترکیب شده است. زوهار و مارشال در کتاب خود تحت عنوان هوش معنوی: هوش غایی به مقوله هوش معنوی پرداخته و در کنار بهره هوش و هوش هیجانی، آن را به عنوان هوش سوم که بالاترین و غایی ترین هوش در انسان می باشد در نظر می گیرد. مفهوم تحلیلی غرب از هوش، پیش از شناختی است و شامل پردازش اطلاعات می شود در حالی که رویکرد ترکیبی شرق نسبت به هوش، مولفه های گوناگون عملکرد و تجربه انسان از جمله شناخت، شهود و هیجان را در یک ارتباط کامل (یکپارچه) در بر می گیرد (نازل، ۲۰۰۴). برای رسیدن به موفقیت در زندگی لازم نیست که افراد هوش عمومی بالایی داشته باشند، بلکه آنچه لازم می باشد هوش هیجانی و هوش معنوی بالاست. به ویژه داشتن نمره هوش معنوی

<sup>۱</sup>. Vaughan

بالا، افرادی را شامل می شود که از حد جسم مادی فراتر رفته، حالات اوج هوشیاری را تجربه می کنند و از منابع معنوی برای حل مساله استفاده می کنند و خصوصیات همچون تواضع، بخشش، حق شناسی و دلسوزی یا گذشت را می توان در آنها دید (ماری اسمیت، ۲۰۰۵؛ به نقل از سهرابی، ۱۳۸۵). در اسلام نیز به طور ضمنی هوش معنوی مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. برای مثال عوامل موثر بر هوش معنوی در متون اسلامی تقوا و پرهیزکاری به همراه تمرینات روز مره از قبل تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق و انفس، روزه داری، عبادات، خواندن قرآن و تدبیر صادقانه در آیات قلمداد شده است. (سهرابی، ۱۳۸۵). شخصیت هر فرد اصلی ترین بعد و ساختار روانشناختی اوست که به شکل گیری سبک زندگی وی کمک میکند. در دهه های اخیر عده ای با طرح صفاتی، برای شخصیت و استفاده از روش های آماری پیچیده نظیر تحلیل عوامل، توانستند جایگاه مناسبی را بین متخصصان برای خود باز کنند. یکی از کارآمدترین نظریه های مطرح شده در باب شخصیت، نظریه پنج عاملی کاسم و مک کری است. بر اساس این دیدگاه، شخصیت ساختاری دارای سلسله مراتب با پنج بعد اصلی در بالاترین مرتبه و قابل فروگاهی به اجزاء یا صفات رده پایین تری است. پنج عامل شخصیت شامل روان نژادگرایی، برونگرایی، تجربه پذیری، دلپذیر بودن و وجدان گرایی هستند. روان نژادگرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکاذ شوری می شود. برونگرایی تمایل به مثبت بودن، قاطعیت، تحریک، مهربانی و اجتماعی بودن است. تجربه پذیری عبارت از تمایل به نوآوری می باشد. دلپذیر بودن به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتمادورزی، همدلی، فرمان برداری و وفاداری اطلاق می شود. وجدان گرایی نیز عبارت از تمایل به سازمان دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویشان داری، پیشرفت گرایی، منطقی گرایی و تعمق است. بادر نظر داشتن اینکه فرایندهای خودآگاهی از جنبه های فلسفی و دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است (اینگرام ۱۹۹۰؛ به نقل از قربانی و واتسون، ۱۳۸۴). خودآگاهی به مفهوم توانایی تفکر هشیارانه در مورد خود، از جمله ویژگی های منحصر به فرد آدمی است که به عنوان یک هدف مطلوب در حوزه دین، فلسفه و روان درمانی مورد توجه قرار گرفته است. (خود) نظم دهنده و انسجام بخش تجربه های انسانی است بنابراین خودآگاهی نوعی توانایی سطح بالاست. دیدگاه های نظری مختلف، آگاهی نسبت به تجربه های شخصی را محور سازگاری روان شناختی می دانند. به منظور سنجش فرایند های خودآگاهی سازه ها و مقیاس های مختلفی به وجود آمده که از درجه انسجام و انتزاع متفاوتی برخوردارند. از جمله سازه های جزئی نگر در این زمینه، هوش هیجانی و ناگویی خلقی را می توان نام برد که وجود یا فقدان آگاهی هیجانی را مورد توجه قرار می دهند. مقیاس خودهوشیاری، بهوشمندی، و خودشناسی انسجامی نیز تلاش های کلی نگر در مفهوم خودآگاهی هستند (قربانی و واتسن، ۱۳۸۴). مولفه های هوش معنوی و خودآگاهی به تنهایی مورد پژوهش قرار گرفته اما ارتباط بین این دو مولفه پژوهشی صورت نگرفته که دغدغه ذهنی من هست تا بین این سه مولفه ارتباطشان را بسنجم. با این حال ابهامات بیشماری در مورد رابطه بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی با خودآگاهی وجود دارد که در جایگاه منبع اصلی و خلاء نظری محسوب می شود و محقق را بر آن داشته است تا با بررسی ارتباط بین متغیر های فوق، بتواند بعد از تعیین رابطه بین متغیر های بیان شده رابطه بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی تعیین نماید. با توجه به مطالب مطرح شده پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خود آگاهی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد؟

نتایج یافته خدابخشی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که بین هوش معنوی و ابعاد سلامت روانی (جامع نگر و بعد اخلاقی) توانایی مقابله و تعامل با مشکلات / سجایای اخلاقی / خودآگاهی و عشق و علاقه) رابطه مثبت وجود دارد، همچنین ابعاد «خودآگاهی، عشق و علاقه» و «جامع نگر» سهم عمده ای در پیش بینی سلامت روانی دارند. رستمی و همکاران (۱۳۹۳) طی تحقیقی دریافته اند که رابطه مثبت معناداری بین هوش معنوی و سلامت عمومی، به عنوان دو متغیر اساسی در زندگی وجود دارد. خدیری و احمدی (۱۳۹۲) طی یک مطالعه ای دریافته اند که بین مولفه های هوش معنوی و ویژگی های شخصیتی یک کارآفرین رابطه مستقیم و معناداری در سطح کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. نتایج تحقیق حمید و زمستانی (۱۳۹۲) نشان داد که میان هوش معنوی و ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی روابط چندگانه مثبت و معنی داری وجود دارد. یافته های تحقیق محی الدینی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین نمره های خرده مقیاس های ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی در دو گروه (معتاد و غیرمعتاد) تفاوت معنی داری وجود دارد. بطوریکه افراد با هوش معنوی پایین، به احتمال بیشتری دچار سوء مصرف مواد می شوند و افراد معتاد از لحاظ روان آزردهی و روان گسسته بودن در وضعیت بدتری نسبت به افراد غیر معتاد قرار دارند. نتایج تحقیق شهرابی فراهانی و فرحبخش (۱۳۹۱) نشان داد که بین هوش معنوی و مولفه خودآگاهی هوش هیجانی دانش آموزان دختر رابطه معناداری وجود دارد. و به عبارتی به توجه به این نتایج می توان گفت فردی که از خودآگاهی بالایی برخوردار است یا به عبارت دیگر از توانایی تشخیص افکار، باورها، هیجان ها، صفات شخصیتی، ارزش های شخصیتی، عادت ها، سوگیری ها، توانمندی ها، ضعف ها و

نیازهای روانشناختی که رفتار آدمی را بر می انگیزند آگاهی دارد، می تواند توانایی بکارگیری منابع معنوی، ارزش ها و چگونگی ابراز هیجان هایش در برقراری رابطه با دیگران در جهت بهبود زندگی روزانه را داشته باشد و به طور مؤثرتری عمل کند. میرجلیلی و شفیع (۱۳۹۱) طی تحلیل بر هوش معنوی کارکنان سازمان بهزیستی شهرستان یزد، دریافت که کارکنان بهزیستی دارای خودآگاهی بوده و به مراجعان علاقه داشته و به آنها عشق می ورزند. نتایج تحقیق زارع و همکاران (۱۳۹۱) نشان دهنده نقش ویژگی های شخصیتی در هوش معنوی دانشجویان است. بدین صورت که از بین پنج عامل بزرگ شخصیت؛ متغیرهای برون گرایی، توافق جویی و بیش از همه وجدانی بودن پیش بینی کننده هوش معنوی است. بنابراین ارزیابی و توجه به ویژگی های شخصیتی به عنوان یک عامل پیش بینی کننده در افزایش هوش معنوی ضروری به نظر می رسد. جوزف و لاکشمی<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نیز طی پژوهشی نشان دادند که توسعه هوش معنوی در بهبود روابط درون فردی، دستیابی به هدف و معنا، انگیزه، تعهد، مسئولیت پذیری، خودآگاهی، روحیه تیمی، مدیریت استرس و مدیریت زمان نیروهای انسانی، موفق عمل کرده است. حساسینی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در تلاش برای بررسی نظریه های شخصیتی مختلفی که حول محور نظریه شخصیتی پنج عاملی مک کری و کاستا بوده اند، دریافتند که ویژگی های ثبات هیجانی، دلیزیر بودن و تجربه پذیری همان ویژگی های شخصیتی بوده اند که بطور رایج برای نشان دادن هوش معنوی به کار رفته اند. این ویژگی ها با ماهیت ثابت قدمی، مهربانی، وجدان گرایی، روشنفکری و خلاقیت مرتبط با سطح بالای رشد هوش معنوی در ارتباط می باشند. علاوه بر این آنتراینر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۰) طی مطالعه ای دریافتند که ابعاد مختلف معنویت و مذهبی بودن، بطور مثبتی با شاخص های مختلف سلامتی یا بیماری روانی و شخصیت در ارتباط می باشند. عابدی و سرخی (۲۰۰۹) در تحقیقی با موضوع رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیتی (با استفاده از پرسشنامه ۵ عاملی) در جمعیت سنین ۵۰-۱۹ سال نشان دادند که بین هوش معنوی و روان نژندی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. بین هوش معنوی و عامل های شخصیتی برو نگرایی و با وجدان بودن رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. بین هوش معنوی و انعطاف پذیری و دلیزیر بودن رابطه معنی دار وجود ندارد. مک دونالد<sup>۵</sup> به نقل از عبدالله زاده و همکاران (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود دریافت که افراد با هوش معنوی بالاتر آسودگی کمتری را تجربه می کنند. بوژمهرانی (۲۰۰۸) تحقیقی را با موضوع رابطه بین هوش معنوی و اختلالات شخصیت با استفاده از پرسشنامه میلیون و پرسش نامه هوش معنوی در بین ۱۱۰ نفر از مادران شهرستان علی آباد کتول انجام دادند. در این پژوهش مشخص شد که بین هوش معنوی با وابستگی به الکل و بدنمایی رابطه وجود دارد. در یک فراتحلیل جدید، هنینگزگارد و آرنائو<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) نیز نتایج مشابه با فراتحلیل ساروگلو بدست آوردند. به طوری که معنویت با برون گرایی، دلیزیر بودن، وجدان گرایی و تجربه پذیری رابطه مثبت داشت ولی با روان نژندی رابطه منفی داشت. اخیراً، چن هاف<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نیز نتایج مشابهی را در نمونه بیماران HIV گزارش کرده اند. آنها نشان دادند که میان ویژگی های شخصیت و هوش معنوی با کیفیت زندگی در این بیماران رابطه معنی داری وجود دارد. به عقیده جورج<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) مهمترین کاربردهای هوش معنوی در محیط شامل: امنیت شخصی و ایجاد آرامش خاطر، ایجاد تفاهم بین افراد و بهبود ارتباطات در محیط کار، مدیریت کردن تغییرات و از میان برداشتن موانع راه می باشد. الکساندر<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه هوش معنوی با سلامت روان و رضایت از زندگی، گزارش کردند که درجات بالاتر معنویت و مذهب با احساس خوب بودن و سلامت روان همراه است. صمدی (۲۰۰۶) طی مطالعه ای بیان کرد که فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای الهام و شهود، دیدگاه کل نگر به جهان هستی است که در جستجوی پاسخ برای پرسش های بنیادین زندگی و نقد سنتها و آداب و رسوم می باشد. هوش معنوی به راحتی می تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد. با توجه به هدف تحقیق و پیشینه پژوهشی فرضیه های زیر مورد آزمون قرار گرفتند.

۱. هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی کارکنان رابطه دارد.

2. Joseph and Lakshmi

3. Hosaini

4. Unterrainer

5. McDonald

6. Arnau & Henningsgaard

7. Ckenhoff

8. Gorg

9. Alexander

۲. هوش معنوی با خود آگاهی کارکنان رابطه دارد.

### روش پژوهش:

پژوهش حاضر جزء تحقیقات بنیادین و از نوع همبستگی<sup>۱۰</sup> است. جامعه پژوهش را کلیه کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، در سال ۱۳۹۵ تشکیل دادند که از این میان ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر زن و ۵۰ نفر مرد) به صورت داوطلبانه انتخاب شده و به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸)، مقیاس شخصیتی نئو (۱۹۸۵) و پرسشنامه خودآگاهی ریلو و الیک (۱۹۹۸) استفاده شده است.

**۱. هوش معنوی کینگ (SISRI)**<sup>۱۱</sup>: این پرسشنامه در سال (۲۰۰۸) توسط کینگ طراحی و ساخته شد که دارای ۲۴ گویه است و چهار زیر مقیاس دارد: تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری. هر چه فرد نمره بالاتری در این پرسشنامه بگیرد دارای هوش معنوی بیشتری است. طیف نمره دهی آن بر اساس لیکرت پنج گزینه ای می باشد (کاملاً درست = ۱ نمره، نادرست = ۲ نمره، تا حدودی = ۳ نمره، درست = ۴ نمره و کاملاً نادرست = ۵ نمره). ناگفته نماند که سؤال ۶ بصورت معکوس نمره گذاری می شود (کاملاً درست = ۵ نمره، نادرست = ۴ نمره، تا حدودی = ۳ نمره، درست = ۲ نمره و کاملاً نادرست = ۱ نمره).

در پژوهش رقیب و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شد. روایی صوری و محتوایی مقیاس توسط متخصصان روان شناسی مورد تایید قرار گرفت. برای برآورد روایی همگرایی از پرسشنامه ی تجربه ی معنوی غباری بناب به طور همزمان استفاده شده که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است. برای محاسبه روایی سازه مقیاس از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول استفاده شد. نتیجه های بدست آمده نشان داد که این مقیاس ابزاری پایا برای سنجش هوش معنوی است و با توجه به روایی و پایایی مناسب، آن را می توان در محیط های آموزشی و پژوهشی مانند دانشگاه استفاده نمود.

**۲. ویژگی های شخصیتی:** پرسشنامه شخصیتی نئو (NEO) یکی از جدیدترین پرسشنامه های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه عاملی است. پرسشنامه شخصیت نئو پی آر جانشین تست نئو است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک گری و کاستا تهیه شده بود. این پرسشنامه ۵ عامل اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی ۳۰ خصوصیت را اندازه می گیرد. فرم کوتاه این پرسشنامه دارای ۶۰ سوال است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می رود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. پرسشنامه مذکور، توسط گروسی فرشی (۱۳۷۷) در ایران روی یک نمونه از دانشجویان دانشگاه های دولتی ایران هنجاریابی شده است. همسانی درونی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برای عوامل C, A, O, E, N به ترتیب ضرایب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸، ۰/۸۷ بدست آمده است. اعتبار دراز مدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس های روان آرزدگی خوبی، برون گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش های شخصیتی و نیز در گزارش های زوج ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و با وجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ گزارش شده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳؛ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

**۳-۴-۳- خودآگاهی:** مقیاس خودآگاهی توسط ریلو و الیک (۱۹۹۸) تهیه شده که در ایران نیز توسط لطیفیان و سیف (۱۳۸۴) اعتباریابی شده است. این مقیاس ۲۴ گویه دارد که شامل سه زیر مقیاس (خودآگاهی خصوصی، خودآگاهی عمومی و اضطراب اجتماعی) می باشد. سؤالات به روش لیکرت (از بسیار موافقم «۵ نمره» تا بسیار مخالفم «۱ نمره») نمره گذاری می شود. همچنین گویه های شماره ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۳ بطور معکوس نمره گذاری می شوند (فنستین<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۱۹۷۵؛ به نقل از لطیفیان و سیف، ۱۳۸۶).

10. correlation research

11. the spiritual intelligence self-report inventory

12. Fenigstein

روایی این مقیاس در پژوهش فنستین و همکاران (۱۹۷۵) و اوسک<sup>۱۳</sup> و باجک<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۶) به روش تحلیل عاملی احراز شده است. نتایج حاصل از این پژوهش‌ها حاکی از روایی قابل قبول این مقیاس است. در ایران نیز لطیفیان و سیف (۱۳۸۶) طی مطالعه‌ای، روایی و پایایی این مقیاس را در دانشجویان مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه آنان، شواهد حاصل از همبستگی درونی بین ابعاد این مقیاس، هم‌سو با پژوهش ریلو و الیک (۱۹۹۸) نشان از روایی سازه‌ای این مقیاس داشت. پایایی ابعاد سه‌گانه آن نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ احراز شد. این ضرایب که برای خودآگاهی خصوصی، خودآگاهی عمومی، و اضطراب اجتماعی، به ترتیب برابر با ۰/۷۱، ۰/۵۷، و ۰/۸۴. به دست آمدند، حاکی از همسانی درونی قابل قبول نمره‌های این مقیاس هستند. در نهایت و پس از جمع‌آوری اطلاعات، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی:

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری میانگین و انحراف استاندارد است که در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). مشخصه‌های آماری متغیر ملاک و متغیرهای پیش‌بینی کننده

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه نمرات	بیشینه نمرات	
ابعاد شخصیتی پژوهش	روان رنجورخویی	۳۹/۶۲	۸/۰۵	۲۴	۵۶
	برون‌گرایی	۳۱/۰۹	۶/۰۲	۱۷	۴۴
	تجربه‌پذیری	۳۴/۷۵	۴/۶۳	۲۲	۴۵
	توافق‌پذیری	۳۰/۳۸	۵/۸۲	۱۹	۴۴
	وجدانی بودن	۲۵/۷۸	۶/۴۵	۱۶	۳۸
هوش معنوی	تفکر وجودی انتقادی	۲۸/۲۳	۲/۹۵	۱۷	۳۲
	تولید معنای شخصی	۱۹/۹۰	۱/۹۱	۱۶	۲۳
	آگاهی متعالی	۲۹/۸۳	۲/۱۹	۲۲	۳۳
	بسط حالت هشیاری	۱۸/۱۰	۳/۰۶	۱۰	۲۲
	هوش معنوی کل	۹۶/۰۶	۶/۹۱	۷۶	۱۰۹
خودآگاهی	خودآگاهی خصوصی	۲۵/۰۶	۵/۴۲	۱۳	۴۲
	خودآگاهی عمومی	۱۳/۰۳	۳/۱۹	۵	۱۸
	اضطراب اجتماعی	۲۶/۴۲	۶/۲۸	۱۶	۴۰

ب) یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش:

این بخش شامل فرضیه‌ها به همراه نتایج بدست آمده می‌باشد که در زیر ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول (۱) همبستگی هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی کارکنان

متغیرها	روان رنجورخویی	برون گرایی	تجربه پذیری	توافق پذیری	وجدانی بودن
۱. تفکر وجودی انتقادی	P= -.۰۴۶۰ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۷۶۹ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۲۱۰ Sig= .۰۰۳۶	P= .۰۱۸۷ Sig= .۰۰۶۲	P= ۱۳۲ Sig= .۰۱۹۱
۲. تولید معنای شخصی	P= .۰۰۷۵ Sig= .۰۴۵۶	P= .۰۱۸۳ Sig= .۰۰۴۸	P= .۰۵۴۷ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۰۶۱ Sig= .۰۵۴۸	P= .۰۲۹۸ Sig= .۰۰۰۳
۳. آگاهی متعالی	P= -.۰۲۲۱ Sig= .۰۰۲۷	P= .۰۱۰۴ Sig= .۰۳۰۳	P= .۰۴۰۸ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۲۸۲ Sig= .۰۰۰۴	P= .۰۲۲۵ Sig= .۰۰۱۰
۴. بسط حالت هشبیاری	P= .۰۰۱۵ Sig= .۰۸۸۵	P= .۰۰۲۵ Sig= .۰۸۰۹	P= .۰۲۸۲ Sig= .۰۰۰۵	P= .۰۰۶۶ Sig= .۰۵۲۲	P= .۰۰۹۳ Sig= .۰۳۶۵
۵. هوش معنوی کل	P= -.۰۰۹۹ Sig= .۰۳۳۰	P= .۰۲۳۴ Sig= .۰۰۱۹	P= .۰۴۹۴ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۰۰۱ Sig= .۰۹۹۳	P= .۰۲۵۹ Sig= .۰۰۰۹

فرضیه دوم: بین هوش معنوی با خود آگاهی کارکنان رابطه وجود دارد.

جدول (۲) همبستگی هوش معنوی با خودآگاهی کارکنان

متغیرها	خودآگاهی خصوصی	خودآگاهی عمومی	اضطراب اجتماعی
۱. تفکر وجودی انتقادی	P= .۰۲۶۹ Sig= .۰۰۰۷	P= .۰۱۶۴ Sig= .۰۱۰۲	P= -.۰۲۵۵ Sig= .۰۰۱۱
۲. تولید معنای شخصی	P= .۰۳۱۹ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۱۴۹ Sig= .۰۱۳۹	P= -.۰۵۷ Sig= .۰۵۷۴
۳. آگاهی متعالی	P= .۰۱۷۴ Sig= .۰۰۸۴	P= .۰۰۲۷ Sig= .۰۷۹۳	P= .۰۱۱۳ Sig= .۰۲۶۴
۴. بسط حالت هشبیاری	P= .۰۱۹۲ Sig= .۰۰۵۰	P= .۰۱۰۰ Sig= .۰۳۳۰	P= -.۰۰۴۷ Sig= .۰۶۵۰
۵. هوش معنوی کل	P= .۰۳۴۲ Sig= .۰۰۰۱	P= .۰۰۶۳ Sig= .۰۵۳۳	P= -.۰۱۰۹ Sig= .۰۲۷۹

جدول (۳) آزمون ضرایب رگرسیون: متغیرهای پیش بینی کننده هوش معنوی

گام	متغیر پیش‌بین	مجزور ضریب همبستگی	نسبت F	معناداری	بتا	مقدار t	معناداری
۱	تجربه پذیری	۰/۳۴۴	۳۱/۶۶	۰/۰۰۱	۰/۴۹۴	۵/۶۲	۰/۰۰۱
۲	تجربه پذیری	۰/۳۱۵	۲۲/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۵۱۱	۶/۰۷	۰/۰۰۱
	برون گرایی				۰/۲۶۷	۳/۱۶	۰/۰۰۲
۳	تجربه پذیری	۰/۳۶۵	۱۸/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۵۶۱	۶/۷۲	۰/۰۰۱
	برون گرایی				۰/۵۱۴	۴/۲۲	۰/۰۰۱
	روان رنجور خویی				-۰/۳۳۴	-۲/۷۳	۰/۰۰۷
۴	تجربه پذیری	۰/۳۹۴	۱۵/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۵۲۱	۶/۱۹	۰/۰۰۱
	برون گرایی				۰/۴۵۲	۳/۶۸	۰/۰۰۱
	روان رنجور خویی				-۰/۳۳۳	-۲/۷۸	۰/۰۰۱
	خودآگاهی خصوصی				۰/۱۸۴	۲/۱۳	۰/۰۰۷
۵	تجربه پذیری	۰/۴۸۰	۱۷/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۴۹۰	۶/۲۲	۰/۰۰۱
	برون گرایی				۰/۴۲۸	۳/۷۴	۰/۰۰۱
	روان رنجور خویی				-۰/۴۲۲	-۳/۷۱	۰/۰۰۱
	خودآگاهی خصوصی				۰/۴۵۲	۴/۲۹	۰/۰۰۱
	خودآگاهی عمومی				۰/۳۸۹	۳/۹۵	۰/۰۰۱
۶	تجربه پذیری	۰/۵۲۰	۱۶/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۵۲۷	۶/۸۲	۰/۰۰۱
	برون گرایی				۰/۴۱۸	۳/۷۷	۰/۰۰۱
	روان رنجور خویی				-۰/۳۳۱	-۲/۸۸	۰/۰۰۱
	خودآگاهی خصوصی				۰/۴۸۳	۴/۷۲	۰/۰۰۱
	خودآگاهی عمومی				۰/۴۶۴	۴/۶۹	۰/۰۰۱
	توافق پذیری				۰/۲۳۶	۲/۷۷	۰/۰۰۷

نتایج جدول فوق نشان می دهد که تجربه پذیری، برون گرایی، روان رنجور خویی، خودآگاهی خصوصی، خودآگاهی عمومی و توافق پذیری توان ورود به معادله رگرسیونی را دارا هستند و می توانند عمل پیش بینی را انجام بدهند. نسبت‌های معنادار F در جدول نشان از ارتباط معنادار متغیرهای پیش‌بین و ملاک دارد. ضرایب تعیین حاصل از نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که در گام اول، ورود تجربه پذیری به تنهایی ۰/۲۴ از تغییرات متغیر ملاک یعنی هوش معنوی کارکنان را پیش‌بینی می کند و در گام دوم ورود متغیر برون گرایی این مقدار را به ۰/۳۱، در گام سوم با ورود روان رنجور خویی به ۰/۳۶، در گام چهارم با ورود خودآگاهی خصوصی به ۰/۳۹، در گام پنجم خودآگاهی عمومی به ۰/۴۸ و در گام ششم با توافق پذیری به ۰/۵۲ رسید.



## بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور پاسخ گویی به این سؤال پژوهشی طراحی و اجرا شد که آیا بین هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی و خودآگاهی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد؟

ابتدا به بحث پیرامون فرضیه اولی پژوهش پرداخته می شود:

**فرضیه فرعی اول:** بین هوش معنوی و ویژگی های شخصیتی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به ماتریس همبستگی (جدول ۱) رابطه بین ابعاد هوش معنوی (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری) و ویژگی های شخصیتی کارکنان (روان رنجورخویی، برون گرایی، تجربه پذیری، توافق پذیری و وجدانی بودن) مورد تأیید قرار می گیرد.

بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش، تفکر وجودی انتقادی با روان رنجورخویی رابطه منفی معنادار، با برون گرایی رابطه مثبت معنادار دارد و با تجربه پذیری رابطه معنادار بود. اما با توافق پذیری و وجدانی بودن رابطه معناداری را نشان نداد. تولید معنای زندگی با برون گرایی، وجدانی بودن و تجربه پذیری رابطه مثبت معنادار داشت. آگاهی متعالی با روان رنجورخویی رابطه منفی معنادار، با تجربه پذیری و وجدانی بودن رابطه مثبت معنادار داشت و با توافق پذیری نیز رابطه معنادار بود. بسط حالت هوشیاری با تجربه پذیری رابطه معنادار دارد. هوش معنوی کل با برون گرایی، تجربه پذیری و وجدانی بودن رابطه معنادار دارد.

نتایج این مطالعه با تحقیقات زارع و همکاران (۱۳۹۱)، عابدی و سرخی (۲۰۰۹)، آنتراپنر و همکاران (۲۰۱۰)، حساینی و همکاران (۲۰۱۰)، هنینگزگارد و آرنائو (۲۰۰۸)، چن هاف و همکاران (۲۰۰۷)، حمید و زمستانی (۱۳۹۲)، نیک منس (۱۳۸۹)، خدای و احمدی (۱۳۹۲)، محی الدینی و همکاران (۱۳۹۱) و خدابخشی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

پیرو نتایج فوق، یافته های تحقیق عابدی و سرخی (۲۰۰۹) نیز ارتباط منفی بین روان آزدگی و هوش معنوی و ارتباط مثبت بین وجدان گرایی و برون گرایی با هوش معنوی نشان داد.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش های مختلف، می توان این گونه بیان داشت که ویژگی های فردی و شخصیتی افراد می تواند در بهره گیری بهتر از هوش معنوی و در نتیجه سازگاری و حل مسایل مختلف کمک کننده باشد. به طور کلی، می توان دریافت که افراد با ویژگی شخصیتی برون گرایی، تجربه پذیری و وجدان گرایی از هوش معنوی بالاتری برخوردارند.

در تبیین این یافته می توان گفت که ویژگی های شخصیتی برون گرایی، وجدان گرایی و تجربه پذیری در واقع همان ویژگی های شخصیتی هستند که به طور رایج برای نشان دادن هوش معنوی به کار رفته اند. این ویژگیها با ماهیت ثابت قدمی، وجدان گرایی، مهربانی، روشنفکری و خلاقیت مرتبط با سطح بالای رشد هوش معنوی در ارتباط می باشند. در تحقیق حاضر، ویژگی های شخصیتی تجربه پذیری و وجدانی بودن و برون گرایی به ترتیب سهم بیشتری در تبیین هوش معنوی داشتند. برون گرایان اصولاً معاشرتی، مخاطره جو و جسور هستند و هیجانانگیزتر را تجربه می کنند (لوکاس و فوجیتا<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۰). جامعه گرا بودن، دوست داشتن مردم، ترجیح گروه های بزرگ و گردهمایی، با جرأت بودن، با انرژی و خوشبین بودن از صفات برون گراهاست که ما همین ویژگی ها و نیز خصیصه های وجدان گرایی را در افرادی که نمرات بالایی در هوش معنوی به دست می آورند، مشاهده می کنیم.

ویژگی های شخصیتی عموماً بر سبک زندگی افراد تأثیر می گذارند و به تبع آن کیفیت زندگی افراد نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. این نتایج به متخصصان و روان شناسان کمک می کند تا با در نظر گرفتن عوامل شخصیتی به عنوان پیش بینی کننده هوش معنوی این صفات



شخصیتی را در افراد بهبود بخشد. بدین گونه که افراد ناتوانمندی های خویش را درک کرده، بتوانند در برخورد با موقعیت های آسیب زا با بهره گیری از هوش معنوی به عملکرد بهتری در مقابله با این موقعیت ها بر آید.

**فرضیه دوم:** بین هوش معنوی با خود آگاهی کارکنان رابطه وجود دارد.

با توجه به ماتریس همبستگی (جدول ۲) رابطه بین ابعاد هوش معنوی (تفکر وجودی انتقادی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هوشیاری) و ابعاد خودآگاهی (خودآگاهی خصوصی، خودآگاهی عمومی و اضطراب اجتماعی) مورد تأیید قرار می گیرد.

تفکر وجودی انتقادی با خودآگاهی خصوصی رابطه مثبت و با اضطراب اجتماعی منفی معنادار دارد. تولید معنای شخصی با خودآگاهی خصوصی رابطه مثبت معنادار دارد. آگاهی متعالی با هیچ کدام از ابعاد رابطه معنادار نداشت. بسط حالت هوشیاری با خودآگاهی خصوصی رابطه مثبت معنادار داشت. هوش معنوی کلی با خودآگاهی خصوصی رابطه مثبت معنادار داشت ولی با خودآگاهی عمومی و اضطراب اجتماعی رابطه معناداری را نشان نداد.

نتایج این مطالعه با یافته های صمدی (۲۰۰۶)، رستمی و همکاران (۱۳۹۳)، میرجلیلی و شفیع (۱۳۹۱)، شهرابی فراهانی و فرحبخش (۱۳۹۱) و جوزف و لاکشمی (۲۰۱۱) همسو می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت فردی که از خودآگاهی بالایی برخوردار است یا به عبارت دیگر، از توانایی تشخیص افکار، باورها، هیجانها، صفات شخصیتی، ارزش های شخصیتی، عادت ها، سوگیری ها، توانمندی ها، ضعف ها و نیازهای روانشناختی که رفتار آدمی را بر می انگیزند آگاهی دارد، می تواند توانایی بکارگیری منابع معنوی و ارزش ها و چگونگی ابراز هیجانها را در برقراری رابطه با دیگران در جهت بهبود زندگی روزانه را داشته باشد و به طور موثرتری عمل کند (شهرابی فراهانی و فرحبخش، ۱۳۹۱).

داشتن حسی از یکپارچگی، هدفمندی، تعادل، پذیرش و توانایی درون نگری عمیق و لذت بخش که مبنای مفهوم سازی و سنجش سلامت معنوی است، نیازمند شناخت نیازها، علائق و ارزش های شخصی است که در مفهوم سازی فرایندهای خودآگاهی آمده است. هرچند تبیین رابطه هوش معنوی با فرایندهای خودآگاهی پژوهش های بیشتری نیاز دارد (سرافراز و همکاران، ۱۳۸۹).

## منابع

- حمید، نجمه؛ زمستانی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و ویژگی های شخصیتی با کیفیت زندگی در دانشجویان پزشکی. مجله پزشکی هرمزگان. سال هفدهم، شماره ۴، صص ۳۵۵-۳۴۷.
- خدابخشی، شراره؛ رحیمی کیا، امین؛ جعفری، حسن. (۱۳۹۳). شناسایی رابطه بین هوش معنوی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان. دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۶۵-۵۸.
- خدیری، نعیمه؛ احمدی، یوسف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش معنوی با ویژگی های شخصیتی یک کارآفرین از دیدگاه کارکنان یک سازمان صنعتی در شهر بندرعباس. همایش ملی دانشگاه کارآفرین (صنعت دانش محور). بایلسر، دانشگاه مازندران.
- رستمی، محمد؛ مهربان، شفیق؛ شریفی، مهدی؛ بازاریار، سعید؛ محمدی، محمد؛ محمدعلی پور، زینب؛ بختیاری، وحید. (۱۳۹۳). رابطه ی هوش معنوی با سلامت عمومی در دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۶۳-۱۵۱.
- رقیب، مایده سادات؛ سیادت، سیدعلی؛ حکیمی نیا، بهزاد؛ احمدی، سیدجعفر. (۱۳۸۹). اعتباریابی مقیاس هوش معنوی کینگ (SISRI-24) در دانشجویان دانشگاه اصفهان. دستاوردهای روان شناختی. دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۴۱.
- زارع، حسین؛ پدرام، احمد؛ شیروانیان، الهه. (۱۳۹۱). پیش بینی هوش معنوی دانشجویان از روی صفات شخصیتی آنها. تحقیقات علوم رفتاری. دوره ۱۰، شماره ۱.
- سرافراز، مهدی رضا؛ بهرامی احسان، هادی؛ زرنیدی، علیرضا. (۱۳۸۹). فرایندهای خودآگاهی و سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی. پژوهش در سلامت روانشناختی. دوره چهارم، شماره ۳ و ۴.

شهرابی فراهانی، لیلا؛ فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران. دوفصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی. صص ۴۴-۶۰.

سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۵). درآمدی بر هوش معنوی. فصلنامه روانشناسی دین. شماره ۲. قربانی، نیما؛ واتسون، پ. ج. (۱۳۸۴). فرایندهای خودشناختی و نظام های پردازش خبر عقلانی و تجربه ای در ایران و آمریکا. فصلنامه روانشناسی ایرانی. ۲(۵)، صص ۱۴-۳.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۷۷). هنجار یابی آزمون جدید شخصیتی نثو و بررسی تحلیل ویژگی ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه های ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه و دانیال. لطیفیان، م؛ سیف، د. (۱۳۸۶). تأثیر خودآگاهی بر اختلالات رولبط بین فردی دانشجویان. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ویژه نامه علوم تربیتی. ۲۶(۳)، صص ۱۵۰-۱۳۷.

محمی الدینی، حمید؛ هوشیار، هاشم؛ محمدی اصفهانی، سعیده؛ غفاری، ادنان. (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی در افراد معتاد و غیر معتاد. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین. سنج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج.

میرجلیلی، مهدی؛ شفیعی، میثم. (۱۳۹۱). تحلیلی بر هوش معنوی کارکنان سازمان بهزیستی شهرستان یزد. فصلنامه علمی- ترویجی اخلاق. سال دوم، شماره ۵، صص ۹۴-۶۵.

نیک منش، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ی ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- Abdollahzade, H., Bagher pour, M., Bouj Mehrani, S., Lotfi, M. (2009). Spritual intelligence (Concepts, Assessment and Applications). Tehran: Psychometric Publications, p.76. (Persian).
- Abedei, F., Sorkhi, Z. (2009). The relation between spritual intelligence and personality characteristics in individual between 19-50 years old in Sary. Dissertation of General Psychology. [Thesis]. Behshahr: Payam Noor University. [In Persian].
- Alexander, M. A., Francisco, L. N., Harold, G. K. (2006). Religiousness and mental health: a review. Rev Bras Psiqlatr, 28(3), 242-50.
- Boujmehrani, S. (2008). Investigating relation between Spritual intelligence with personality disorders in Aliabade Katul's parents. [Thesis]. Behshahr: Payam Noor University. [In Persian].
- Ckenhoff, C. E., Ironson, G. H., O' Cleirigh, C., Costa, P. T. (2009). Five-factor model personality traits, spirituality/religiousness, and mental health among people living with HIV. Journal of Personality, 77, 1411-1436.
- Fenigstein, A., Scheier, M. F., Buss, A. H. (1975). Public and Private Self-Consciousness: Assessment and Theory. Journal of Consulting and Clinical Psychology. 43, 522-527.
- George, M. (2006). How intelligent are you really? From IQ to EQ to SQ, with a little intuition along the way. Train Manag Dev Meth, 20(4), 425-36.
- Henningsgaard, J. M., Arnau, R. C. (2008). Relationships between religiosity, spirituality, and personality: A multivariate analysis. Personality and Individual Differences, 45, 703-708.
- Hosaini, M., Elias, H., Eric Krauss, S, Aishah, S. (2010). A Review Study on Spritual Intelligence, Adolescence and Spritual Intelligence, Factors that May Contribute to Individual Differences in Spritual Intelligence, and the Related Theories. International Journal of Psychological Studies, 21, pp. 179-188.
- Joseph, C., Lakshmi, S. S. (2011). Spritual Intelligence at Work. Journal of Soft Skills. 2011; 5(4): 21-30.
- Lucas, R.E. & Fujita, F. (2000). Factors influencing the relation between extraversion and pleasant affect, J. Personal Soc. Psychol, 79, 1039-56



خلاصه مقالات اولین همایش ملی یافته های نوین  
روانشناسی تربیتی و چالش های پیش رو



- Nasel, D. D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence. Thesis submitted for the degree of doctor of philosophy. University of south Australia.
- Samadi, P. (2006). Journal Modern Educational Thought. 2(3); 99-144.(Persian)
- Unterrainer, H. F., Ladenhauf, K. H., Moazedi, M. L., Wallner-Liebmann, S. J., Fink, A. (2010). Dimensionsof Religious/Spiritual Well-Being and their relation to Personality and Psychological Well-Being. Personality and Individual Differences, 49, 192-197.
- Vaughan, F. (1993). Spiritual issues in psychotherapy. Journal of transpersonal psychology, 23 (2).